



مناقب امیر مؤمنان (ع) در قرآن از منظر اهل سنت

امیر مؤمنان (ع) در قرآن از منظر اهل سنت فضایل و مناقب امیر مؤمنان علی علیه السلام دریایی است

امیر مؤمنان (ع) در قرآن از منظر اهل سنت فضایل و مناقب امیر مؤمنان علی علیه السلام دریایی است بی کران که همواره توسط علما، محدثین و محققین بزرگ از مذاهب مختلف نقل و بیان شده و این مسئله بیانگر این نکته است که نقل مناقب امیر مؤمنان (ع) فقط در محدوده مذهبی خاص و فقط مختص به شیعیان آن حضرت نبوده است. علاوه بر کتب شیعه که به فراوانی از این فضایل سخن گفته‌اند، کتب اهل سنت هم سرشار از نقل این اخبار بوده است و به حدی مناقب و فضایل امیر مؤمنان (ع) در منابع متقن و صحیح اهل سنت نقل شده که احمد بن حنبل، امام مذهب حنابله گفته است: برای هیچ یک از اصحاب رسول خدا (ص) فضایی مانند فضایل علی بن ابی طالب رضی الله عنه نقل نشده است (مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 116). در این سلسله نوشتار سعی بر این شده است که گوشه ای از این مناقب را که در ذیل شان نزول آیات قرآن آمده و یا مربوط به علم امیر مؤمنان (ع) پیرامون کلام خدا می باشد، نقل و بررسی شود و در این راستا فقط از منابع اهل سنت استفاده شده است. این مقالات در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول شامل روایاتی است که در آن از فضایل اهل بیت (ع) سخن گفته شده که شامل مناقب و فضایل امیر مؤمنان و صدیقه کبری و حسنین علیهم السلام است. در بخش دوم از علم امیر مؤمنان (ع) نسبت به کلام خدا سخن گفته شده است که نشان‌دهنده اعلم بودن مطلق وی نسبت به بقیه اصحاب رسول خدا (ص) است و در بخش سوم هم چند آیه از آیاتی که در شان امیر مؤمنان (ع) نازل شده به عنوان نمونه آورده شده است؛

بخش اول: آیاتی که در شان اهل بیت رسول خدا (ص) نازل شده است:

رسول خدا (ص)، همواره در مناسبات مختلف، امیر مؤمنان و صدیقه کبری و حسنین علیهم السلام را به عنوان اهل بیت خود معرفی فرموده است که این معنا در روایات فراوانی آمده است. این مسئله باعث شده است که وقتی عبارت ««اهل بیت»؛ آورده می شود در ذهن چیزی جز پنج تن اصحاب کساء خطور نمی کند. به طوری که مسلم بن حجاج در کتاب صحیح خود یک باب را تحت عنوان ««فضایل اهل بیت النبی»؛ آورده است (صحیح، مسلم، ص 1013) که در آن حدیث مربوط به آیه تطهیر را نقل کرده است. ترمذی نیز در سنن خود بابتی تحت عنوان ««باب مناقب اهل بیت النبی»؛ ذکر کرده است و در آن حدیث ثقلین و شان نزول آیه تطهیر و حدیثی در لزوم مودت اهل بیت نقل کرده است (سنن، ترمذی، ص 1437). حاکم نیشابوری هم در مستدرک بخشی را تحت عنوان ««و من مناقب اهل رسول الله»؛ آورده (مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 158) و در آن از فضایل آل کساء سخن گفته است و احادیثی مانند حدیث ثقلین و حدیث سفینه نوح و احادیث مربوط به شان نزول آیه مباحله و آیه تطهیر و احادیثی دیگر نقل کرده است که نشان دهنده مقام و منزلت والای امیر مؤمنان و صدیقه کبری و حسنین علیهم السلام است.

احادیثی که در مورد جریان آیه تطهیر و آیه مباحله نقل شده است به خوبی نشان دهنده این نکته است که هیچ کس جز امیر مؤمنان و حضرت زهرا و حسنین علیهم السلام مصداق اهل بیت رسول خدا (ص) نبوده اند.

در حدیثی از عایشه نقل شده است که: روزی رسول خدا (ص)، صبح بسیار زود از خانه خارج شد در حالی که عبایی پشیمین و سیاه رنگ بر تن داشت. حسن بن علی آمد و رسول خدا (ص) او را بر آن عبا نشانید. سپس حسین آمد و او هم داخل آن عبا شد. سپس فاطمه آمد پس او را بر آن عبا نشانید. سپس علی آمد پس او را هم نشانید. سپس فرمود: ««انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»؛ (احزاب - 33) (صحیح، مسلم، ص 1013 - مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 159).

از ام سلمه همسر پیامبر (ص) نقل شده است که: آیه ««انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت»؛ (احزاب - 33) در خانه من نازل شده است. پس از اینکه این آیه نازل شد، رسول خدا (ص) به دنبال علی و فاطمه و حسن و حسین فرستاد سپس فرمود: ««اینها اهل بیت من هستند»؛ (مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 158). در حدیثی دیگر از ام سلمه آمده است که: رسول خدا (ص)، عبایی را بر حسن و حسین و علی و فاطمه پوشانید، سپس فرمود: ««پروردگارا اینان اهل بیت و خاصان من هستند، پلیدی را از آنان بزدا و ایشان را پاک و مطهر گردان»؛ (ام سلمه گفت: یا رسول الله! آیا من با ایشان هستم؟ رسول خدا (ص) فرمود: ««تو بر خیر هستی»؛ (سنن، ترمذی، ص 1462)

در حدیثی از واثله بن اسقع صحابی پیامبر (ص) آمده است که: به منزل علی آمدم اما او را نیافتم. سپس فاطمه فرمود که علی در پی رسول خدا رفته است. پس از مدتی علی با رسول خدا (ص) آمد. پس داخل خانه شدند و من هم با آن دو داخل شدم. سپس رسول خدا (ص)، حسن و حسین را صدا زد و هر دو را بر روی پای خود نشانید و فاطمه و همسرش را به خود نزدیک کرد سپس لباسی را به دور آنان پیچید و سپس فرمود: ««انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»؛ (احزاب - 33)

پروردگارا اینان اهل بیت من هستند، پروردگارا اهل بیت من سزاوارتر هستند (مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 159).

از دیگر آیاتی که در شان اهل بیت رسول خدا (ص) نازل شده است آیه شریفه مباحله (آل عمران - 61) است. یعقوبی مورخ اهل سنت مشروح جریان مباحله را به این صورت آورده است: اهل نجران بر رسول خدا داخل شدند و رئیس شان ابوحارثه اسقف بود. پس هنگامی که بر رسول خدا وارد شدند لباس دیبا و صلیب را که بر تن داشتند آشکار کردند و با ظاهری نزد رسول خدا آمدند که کسی تا آن موقع این گونه بر وی وارد نشده بود. پس رسول خدا فرمود: آنها را رها کنید و به حال خود بگذارید. پس آنها رسول خدا را ملاقات کردند و در آن روز هر چقدر که خداوند خواست با وی مباحته کردند. سپس ابوحارثه گفت: یا محمد! در مورد مسیح چه می گویی؟ رسول خدا فرمود: «او بنده خدا و رسولش است«؛ ابو حارثه گفت: خداوند بالاتر از این است که می گویی. یا ابالقاسم! او چنین و چنان است (و شروع به غلو پیرامون حضرت مسیح کرد). آیات 59 تا 61 سوره آل عمران در مورد هم‌اینان نازل شد. پس مسیحیان به مباحله راضی شدند. صبح روز بعد ابو حارثه گفت: بنگرید چه کسانی همراه او می آیند. پس رسول خدا دست حسن و حسین را گرفت و فاطمه در پشت سرش و علی بی ابی طالب پیشاپیش وی حرکت می کرد. ابوحارثه نیز همراه چهار نفر که دور وی حلقه زده بودند، خارج شد در حالی که بر لباس هایشان مروراید و زیور آلات بود. پس ابوحارثه گفت: اینان که با او هستند چه کسانی هستند؟ گفتند: این پسر عمویش و این دخترش و دو نفر دیگر دو پسرش هستند. سپس رسول خدا به زانو افتاد و سپس رکوع کرد. ابوحارثه گفت: به خدا قسم همان گونه که پیامبران برای مباحله زانو می زنند به زانو افتاد. پس به ابو حارثه گفتند که برای مباحله به وی نزدیک شود؛ ابوحارثه گفت: من آزادمردی را برای مباحله می بینم و می ترسم که اگر وی راستگو باشد، یک سال تمام شود در حالی که در دنیا یک نصرانی هم نباشد که طعام بخورد. پس ابوحارثه گفت: یا ابا القاسم! با تو مباحله نمی کنیم بلکه به تو جزیه می دهیم. پس رسول خدا نیز با آنان بر مقدار مشخصی جزیه مصالحه کرد (تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 54).

رسول گرامی اسلام (ص) در جریان مباحله، حسنین(ع) را به عنوان ابناء و حضرت فاطمه زهرا (س) را به نیابت از نساء و امیر مؤمنان (ع) را همراه با خود به عنوان انفسنا به نزد مسیحیان برد و این آیه یکی از شریف ترین و والاترین مراتب فضیلت اهل بیت رسول خدا (ص) و بویژه فضیلت امیر مؤمنان (ع) را بیان می دارد زیرا که بر طبق آیه شریفه وی به منزله نفس پیامبر (ص) بوده است. احادیث زیادی پیرامون آیه مباحله نقل شده است؛ به عنوان نمونه حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک نقل کرده است که: هنگامی که آیه «ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم« (آل عمران - 61) نازل شد، رسول خدا (ص)، علی و فاطمه و حسن و حسین رضی الله عنهم را به نزد خود فراخواند و فرمود: «پروردگارا اینان اهل من هستند« (مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 163). مسلم در صحیح خود نقل کرده است که معاویه، سعد بن ابی وقاص را به خاطر اینکه امیر مؤمنان (ع) را دشنام نمی داد مورد مؤاخذه قرار داد. سعد سه فضیلت از فضایل امیر مؤمنان (ع) را ذکر کرد و آنها را علت عدم سب امیر مؤمنان (ع) دانست که یکی از این سه مورد، مربوط به آیه شریفه مباحله است. سعد در جواب معاویه گفت: هنگامی که آیه «فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم« (آل عمران - 61) نازل شد، رسول خدا (ص)، علی و فاطمه و حسن و حسین را فراخواند و سپس فرمود: «پروردگارا اینان اهل من هستند« (صحیح، مسلم، ص 1006 - سنن، ترمذی، ص 1156).

آن طور که از روایات مذکور پیداست، نبی مکرم اسلام(ص) در مواقع مختلفی و نزد افراد گوناگون به معرفی اهل بیت خود پرداخته است و به روشنی مصادیق اهل بیت خود را مشخص کرده است تا بر همگان روشن گردد که فقط امیر مؤمنان و صدیقه کبری و حسنین علیهم السلام، اهل بیت خاصه وی هستند نه تمامی کسانی که در خانه رسول خدا (ص) زندگی می‌کرده اند. فضایل و مناقب و اهمیت مقام والای اهل بیت رسول خدا (ص) به حدی بوده است که مودت و حب ایشان به عنوان اجر و پاداش رسالت رسول خدا (ص) از مسلمین خواسته شده است؛ چنانکه قرآن کریم می فرماید: «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی«؛ بگو بر این رسالت مزدی از شما، جز دوست داشتن خویشاوندان، نمی‌خواهم. (شوری - 23) در این آیه شریف مودت نزدیکان پیامبر (ص) به عنوان مزد رسالت رسول خدا (ص) ذکر شده است و بنا بر اخبار نقل شده در منابع اهل سنت، امیر مؤمنان (ع) نزدیک ترین فرد از اصحاب به رسول خدا (ص) بوده است. این معنی در احادیث متعددی آمده است که از آن جمله می توان به این احادیث اشاره کرد: فردی به نزد ابن عمر آمد و از او در باره امیر مؤمنان (ع) سؤال کرد. ابن عمر در جواب گفت: علی، پسر عموی رسول خدا و داماد وی است و سپس به خانه وی اشاره کرد و گفت: این خانه او است که می بینید (یعنی خانه علی در میان خانه های پیامبر (ص) است و وی به آن حضرت بسیار نزدیک بوده است) (صحیح، بخاری، ج 5، ص 52).